

هجي، بيروت، ١٤٠٨ هـ / ١٩٨٨ م: سوان، ياسين محمد، فهرست مجتمع المدرسة العصرية، الكويت، ١٤٠٨ هـ / ١٩٨٧ م: صناع، خطى؛ طلس، محمد سعد، الكتاب عن مخطوطات خزان كتب الاوقاف، بغداد، ١٤٣٧ هـ / ١٩٥٢ م؛ ظاهر، خطى (حديث)؛ عيسوى، احمد محمد و محمد سعيد مليح، فهرس مخطوطات المكتبة الفريدة بالجامع الكبير بصنعاء، قاهرة، ١٤٠٦ هـ / ١٩٨٧ م؛ كتابي، عبدالنبي، فهرس الفهارس والابيات، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٤٠٦ هـ / ١٩٨٦ م؛ متزى، خطى مشترك؛ نامة داشوران، قم، دارالفکر؛ وادي آتش، محمد، برنامج، به كوشش محمد محفوظ، بيروت، ١٤٠٢ هـ / ١٩٨٢ م؛ نizer، Arberry; De Slane، بخش فقه وعلوم قرآن وحديث

تاریخ تولد اریلی دانسته نیست. از گزارش دیدار وی در کودکی با
ن ظهیر حنفی شاعر (د. ١٤٣٧ق) در موصل (نک: اریلی، التذكرة....)،
بر می‌آید که تولد او باید در دهه سوم سده ٧ ق روی داده، و پخشی
دوران کودکی را در موصل گذرانده باشد: خاصه که پدر او اصلاً
سوب به هکاریه (در شمال موصل) بود (ابن فوطی، همانجا). اریلی
دها نیز در این شهر با کسانی چون نجم الدین یحیی موصلى شاعر در
عقر دیدار کرده است (اریلی، همان، ١٢٣-١٢٤). وی در اریل نیز با
مس الدين احمد غزّی شاعر، بدرالدین یوسف دمشقی و یکی از
سران ابن سناء الملک (هم)، محاذل و مباحث ادبی داشته است (نک:
ان، ١٠٨، ١٥١، ١٥٣). او در دیوان انشای اریل، چندی به دیری
داخت (ابن شاکر، ٥٧/٣). در بی سقوط بغداد، اریل نیز به محاصره
ولان در آمد (نک: رشید الدین، ٧١٦/٢). موصل هم در رمضان ٦٤٠ به
ست مغولان سقوط کرد (نک: همو، ٢/٧٣٠). اریلی در گزین اوضاع
شنیج اریل و موصل پیشتر در رجب همان سال به بغداد آمده، و در
ملک خدم و حشم و همکاران علاء الدین عطاملک جوینی قرار گرفته،
سمت دیری انشا یافته بود (اریلی، همان، ٤٢٤١). از آن پس، به
شتناق سفرهای کوتاه، اریلی تا پایان عمر در بغداد در خانه‌ای مشرف
دجله سکنی گزید (ابن فوطی، الحوادث....، ٣٦٦). اریلی همواره در
فر و حضر در ملازمت عطا ملک جوینی بود (و صاف، ١٠٤) و خود از
براهی با او در سفر به تیان (در سواد بصره و شرق دجله) و طیب
تیان و اسفل و خوزستان) گزارش داده است (نک: رسالته، ٨٥-٨٦).

در ٦٤٠ق، حاسدان که از نفوذ و مقام خاندان جوینی اندیشناک
دند، در بی زمینه چینی قبلى، نزد ابا قاخان زبان به سعادت گشودند و
طاملک را متهم به اختلاس اموال دولت کردند. از این رو اموال وی
سادره، و خود او دریند شد. پس از یک ماه عطاملک و یاران او چون
بلی را دریند، به حضور ایلخان فرستادند. اریلی که بی تابانه در اندیشه
طاملک بود، وی را به ایاتی تسلی داد و او نیز در ایاتی وی را به صبر

تخرج به کوشش سعیر طه مجدوب در بیروت (ق ۱۴۰۶/۱۹۸۶) منتشر شده است. ۱۲. الاربعون حدیثاً النووية في الأحاديث الصحيحة النبوية، از محی الدین یحیی بن شرف نووی (د ۶۷۶ق) که در بولاق (ق ۱۱۹۴) و نیز در بیروت (ق ۱۴۰۶/۱۹۸۶) منتشر یافته است. از جمله شروح آن شرحی از ابن دقیق العید (ج بیروت، ق ۱۴۰۶/۱۹۸۶) را می توان بر شمرد. ۱۳. الاربعون حدیثاً، از محمد بن مکی عاملی معروف به شهید اول (د ۷۸۶ق) (قم، ۱۳۶۳ش) انتشار یافته است. ۱۴. اربعین، از جامی که توسط کاظم مدیر شانه چی در مشهد (ق ۱۴۰۷) منتشر یافته است. ۱۵. کتاب الاربعین، از شیخ بهایی (د ۱۰۳۱ق) که در تهران (۱۲۷۲ق) و (۱۳۱ق) و نیز در تبریز (۱۳۷۸ق) چاپ سنگی شده است. این کتاب توسط محمد خاتون آبادی به فارسی ترجمه شده، و به کوشش حسین استاد ولی در تهران (۱۴۱۰ق) به طبع رسیده است. ۱۶. کتاب الاربعین، از محمد باقر مجلسی که در قم (۱۳۹۹ق) منتشر گردیده است.

ب- خطی: ۱۰.۱ الاربعون، از ابوالعباس حسن بن سفیان نسوی (د ۳۰۳ق) که نسخه ای از آن در کتابخانه ظاهری موجود است (ظاهریه، ۲۵۵): ۱۰.۲ الاربعون، از ابویکر محمد بن ابراهیم اصفهانی معروف به ابن مقری (د ۳۸۱ق) که نسخه ای از آن در کتابخانه ظاهری نگهداری می شود (نک: سواس، ۴۱۹): ۱۰.۳ الاربعون فی شیوخ الصوفیة، از ابو دارد مالینی (د ۴۱۲ق) که نسخه ای از آن در کتابخانه ظاهری وجود دارد (ظاهریه، ۳۸۷): ۱۰.۴ الاربعون، از ابن ودعان مؤصلی (د ۴۹۴ق) که نسخه های بسیاری از آن در کتابخانه های جهان یافت می شود (نک: طلس، ۲۵۳؛ آربیری، شم (۱) ۴۸۲۵؛ دوسلان، شم (۷) ۷۲۲؛ برای زواج کتاب و شروع آن، نک: هـ ۵، ۷۷/۵): ۱۰.۵ کتاب الاربعین فی ارشاد السائرين الى منازل العتقين، تأییف ابوالفتوح همدانی (د ۵۵۵ق) که نسخه ای از آن در دارالکتب مصر وجود دارد (تیموریه، ۱۸۳/۲): ۱۰.۶ الاربعون الجعفریة یا الاربعون حدیثاً العلویة، از جعفر بن احمد بن عبدالسلام (د ۵۷۳ق) که در فهرستها از نسخه های متعدد آن یاد شده است (نک: صنعا، ۱/ ۲۶۹؛ تیموریه، ۱۷۴/۲): ۱۰.۷ کتاب الاربعین المستغنی بتعین ما فيه عن المعین، از ابوظاهر سلفی (د ۵۷۶ق) (نک: ظاهریه، ۳۰۰): ۱۰.۸ الاربعون على البلدان، از عبدالقادر رهاوی (د ۶۱۲ق) که نسخه ای از آن در کتابخانه ظاهری نگهداری می شود (همان، ۲۸۸): ۱۰.۹ الاربعون الیمنیة فی الاحادیث النبویة، از وداعی (د بعد از ۷۲۰ق) که نسخه ای از این اثر زیدی در جامع کبیر صنعا وجود دارد (نک: عیسیوی، ۴۹): ۱۰.۱۰ اربعون حدیثاً تساعیة الاسناد، تأییف ابن دقیق العید (د ۷۵۲ق) (نک: تیموریه، ۱۷۵/۲).

کمال الدین مبارک بن احمد موصی (ابن فوطی، تلخیص، کتاب الکاف).^{۲۴۱-۲۴۲}

کسانی نیز از او دانش آموخته‌اند. به گفته ادفوی، اریلی در بغداد مجلسی داشت که در اول و آخر روز برا می‌شد و فضلا در آنجا گرد می‌آمدند و میان آنان بحث و گفت و گویی شد (نک: قیسی، ۲۰). ابن فوطی نیز از شاگردان این مجالس است (ابن فوطی، همان، ۷۵۶/۲، ۷۵۶/۴). علامه حلی و برادرش رضی‌الدین علی نیز از راویان او به شمار می‌آیند (امینی، ۴۴۷/۵). همچنین کسانی از اریلی اجازه روایت گرفته‌اند: مجده‌الدین فضل بن یحیی طبیی، کاتب او که طی مجالسی (پایان آنها در ۶۹۱ عقی) کتاب کشف الغمہ را از او استماع کرده است (نک: اریلی، همان، ۳۴۳/۳)؛ دیگر علم‌الدین ابومحمد اسماعیل بن عز‌الدین موسی از سادات علوی است که این کتاب را بر او خوانده است (ابن فوطی، همان، ۴/۵۷۰-۵۷۱؛ نیز نک: اریلی، همان، ۷۲-۷۱/۲).

درباره اعتقادات اریلی روایات گوناگون است: ابن شاکر (۵۷/۳) از گرایش وی به تشیع سخن گفته، وفضل الله بن روزبهان خنجی در ابطال نهیج الباطل گفته است که همه امامیان، علی بن عیسی را او بزرگان و علمای خود می‌دانند (نک: شوشتاری، ۲۹/۱). دیگران نیز اورا از علمای امامیه و از محدثان بزرگ شیعه بر شعرده‌اند (مجلسی، ۲۹/۱؛ خوانساری، ۳۴۱/۴) و او را ثقة و صدوق خوانده، و نیک ستوده‌اند (مجلسی، ۱۰/۱؛ حر عاملی، امل...، ۱۹۵/۲، ۳۴۳/۲۰...، وسائل...). با این حال، برخی شاگردان میرداماد تغییر وی در شرعة التسمیة را اشاره به توقف میر داماد در امامی بودن اریلی دانسته، و او را زیدی مذهب خوانده‌اند (نک: افندی، ۱۶۹/۴). افندی بی هیچ تردیدی اوراشیعه امامی دانسته، اشاره می‌کند که او در کشف الغمہ از جمله در پیان احوال مهدی (ع)، به این امر تصریح کرده است. به گفته‌ی آنچه موجب این توهمند شده، تأثیفی به نام کشف الغمہ از یکی از علمای زیدیه است که افندی آن را در تبریز دیده بوده است (همانجا). از اینها گذشته، استوارترین منبع برای اظهار نظر در این باره، کتاب کشف الغمہ خود است. اریلی در چند جای این کتاب، گفت و گوهای را که صورت جدل و محاجه دارد، طرح کرده، و در آن خود را از پیروان تشیع (معشر الشیعه) بر شعرده، و به طعن و ایراد و اعتراض مخالفان پاسخ گفته است. این پاسخها بی تردیدی نمایاند که باید از موضع یک شیعه امامی ارائه شده باشد (برای مثال، نک: ۸۵/۱، ۸۵/۲، ۳۴۰، ۸۸-۸۶). افزون بر این، او خود را صریحاً هواخواه و پیرو راه و مذهب اهل بیت (ع) خوانده، و آن را مایه فخر و مبارفات خویش دانسته است (همان، ۱/۵-۲۱).

بجز مهارت اریلی در حدیث، شخصیت ادبی وی نیز در خور توجه است. او از خردسالی به شعر و ادب متیابیل بود. برخی از ایاتی که وی در گویدکی و نوجوانی سروده است، در التذکره دیده می‌شود (ص ۱۵۶-۱۵۷).

خواند. پیش از رسیدن این گروه به اردوی ایلخان، خبر یافتند که ابا‌قاخان دربی بیماری درگذشته است. چون احمد توگودار ایلخان شد، سخن چنان کیفر دیدند و عظامک مقام پیشین بازیافت و اریلی تا وفات وی (۶۸۱ عق) در ملازمت او بود (نک: وصف، ۹۱-۱۰۹؛ شعرانی، ۷۱-۷۲). از آن پس نیز اریلی با حشمت و جاه و جلال (نک: ابن شاکر، همانجا) تا ۶۸۷ عق در مقام و موقع خویش باقی بود. در این سال سعد الدله یهودی که بعداً به وزارت ارغون خان رسید (نک: رشید الدین، ۸۱۹/۲) به بغداد آمد و امور اشراف در عراق بدو اگذار شد. دربی آن گروهی از مناصب خویش عزل شدند و برخی به قتل رسیدند (نک: ابن فوطی، الحوادث، ۴۵۴). اریلی نیز مدتی از کاربرکار شد، اما پس از قتل سعد الدله در ۶۹۰ عق، منزلت خود را بازیافت (ابن شاکر، همانجا؛ نیز نک: رشید الدین، ۸۲۴/۲، ۸۲۵-۸۲۶). سالی پایان عمر را در آرامش به سر برده. پیکر اریلی را پس از درگذشت در خانه بزرگ او دفن کردند (آقا‌بزرگ، الذریعة، ۴۷/۱۸) و مردم به زیارت قبر او می‌رفتند. اما چندی بعد آنچه به تملک کسانی دیگر درآمد (امینی، ۴۵۲/۵) و امروز آن خانه ویران شده است و اثری از آن بر جای نیست (جبوری، ۱۷-۱۸).

در منابع متأخر، گاه از اریلی با عنوان وزیر یاد شده است و گفته‌اند که او وزیر یکی از آخرین خلفای عباسی بود، ولی بعداً از وزارت کناره گرفته، و به تألیف و تصنیف پرداخته است (نک: افندی، ۱۶۶/۴؛ ۱۶۸؛ ذنوی، ۶۶۰/۲؛ خوانساری، ۳۴۱/۴)؛ اما چنین نسبتی در هیچ یک از منابع کهنه نیامده است.

اریلی نزد دانشمندانی نامدار علم اندوخته، یا اجازه روایت گرفته است، از آن جمله‌اند: رضی‌الدین ابوالهیجاء علی بن حسن اریلی، استاد ادب و صرف و نحو (اریلی، التذکرة، ۷۶، ۱۳۷)؛ رضی‌الدین علی بن طاووس که با او درباره تفسیر دعای امام کاظم (ع) مباحثه کرده (همو، کشته...، ۴۲۳-۴۲۴) و از او روایت کرده است (همان، ۳۴۷/۱)؛ محمد ابن یوسف گنجی شافعی که اریلی دو کتاب کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب والبیان فی اخبار صاحب الزمان را در دو مجلس نزد او خواند (جلسة پایانی: ۶۴۸ عق در اربیل) و از اوی اجازه روایت گرفت (همان، ۱۰۸/۱، ۲۶۵/۳). اریلی در ذکر اخبار امام علی (ع) و امام مهدی (ع) از این دو کتاب نقل کرده است (همانجا)؛ علی بن محمد بن محمد بن وضاح شهرابانی از بزرگان حنبليان (همان، ۳۶۳، ۱۴۱، ۷۵/۲) و جلال الدین بن عبد الحمید بن فخار موسوی حائزی که در ۶۷۶ عق از او اجازه روایت گرفته است (همان، ۳۶۴-۳۶۳/۱). اریلی کتاب الذریعة الطاهره ابیشر دولابی را از اویه اجازه روایت کرده است (همان، ۱۰۵/۲، ۳۶۴-۳۶۳/۱)، محیی‌الدین یوسف بن یوسف این زیلاق کاتب (همو، التذکرة، ۸۰). اریلی از کسانی دیگر نیز روایت کرده است: ابو محمد عبد الرزاق بن عبد الله عز‌الدین رسعنی حنبی (همو، کشف، ۷۷/۱)، رشید الدین ابو عبدالله محمد بن ابی القاسم (همان، ۳۷۲/۲)، برهان الدین ابوالحسین احمد بن علی غزنوی (خوانساری، همانجا)، علی بن انجب (امینی، ۴۴۶/۵) و ابن شعار

تسبیب، خمر، وصف بهار، گلهای و گیاهان سخن دارد و ایات و اشعاری را در این مجموعه گردآورده که از دیوانهای پراکنده شعر است و گاه به شرح حال آنان پرداخته که در دیگر منابع به دست نمی‌آید (قیسی، ۱۴، ۱۶). این کتاب به کوشش نوری حمودی قیسی و حاتم صالح ضامن در بیروت (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م) به چاپ رسیده است.

۲. رسالت الطیف (بغدادی، ۸۹/۲: طیف الائشاء)، که از آثار ارزشمندتر اربیلی است و متضمن اخبار و اشعار شعرای عرب جاهلی و اسلام و برخی معاصران مؤلف و مجموعاً ۴۲ بیت است که پاره‌ای از ایات نیک مؤلف در آن آمده است. اربیلی در این کتاب به تقلید از سید مرتضی در طیف الخيال دست زده، و در بسیار جاها در وصف طیف، درازی شب عاشقان، رنج و شب زندگانی و کوتاهی شب وصال با نظم و نثر راه او را پیموده، و همچون او، پاره‌ای از شعر ابوتام طانی و بحتی را آورده است. رسالت الطیف گردشی فکری در عالم خیال است که مؤلف در آن، میان اسلوب «مقامه‌نویسی» و اسلوب «طیف الخيال» جمع کرده، و گوشه چشمی به رسالت الفران معزی دارد (جبوری، ۳۲).

اگر چه بیشتر کتاب گزیده‌هایی از قطعه‌های شعری و ایات شعر است، اما مؤلف این گزیده‌ها را با اسلوب سنگین صناعی ربط داده است که توان و زیبایی از آن نمودار است (فروخ، ۶۶۲/۳). نگارش این کتاب به دست یاقوت بن عبدالله در شعبان ۶۷۴ در بغداد پایان یافته است (نک: ۱۵۸). این کتاب به کوشش عبدالله جبوری در بغداد (۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م) به چاپ رسیده است.

۳. کشف الغمة فی معرفة الانتمة، کتابی است مشهور و ارزشمند در احوال و اخبار پیامبر اکرم (ص)، فاطمه(ع) و ائمه اثنا عشر (ع). مؤلف در این کتاب راه ایجاد و اختصار پیموده (نک: ۸۶/۳)، و در هر باب به عادت و شیوه خود ابتدا روایات را از طریق اهل سنت و سپس از طریق شیعه روایت کرده است (نک: ۷۵/۲). در پایان هر باب نیز قصایدی در مدح و یا رثا مندرج ساخته است (برای ایاتی در مدح امام باقر(ع)، نک: ۳۶۴/۲). مؤلف، این کتاب را در ۲ جزء تألیف کرده است. جزء اول با زندگی پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌شود و با احوال حضرت علی (ع) پایان می‌یابد. اربیلی این جزء را در ۳ شعبان ۶۷۸ به انجام رسانده است (نک: ۷۰/۲). جزء دوم نیز با اخبار فاطمه (ع) آغاز می‌شود و با احوال امام مهدی (ع) پایان می‌پذیرد. وی این جزء را در ۲۱ رمضان ۶۸۷ به پایان آورده است (نک: ۳۴۳/۳؛ قس: آقابزرگ، طبقات...، ۱۰۷-۱۰۸-۱۰۸۲۵-۱۰۸۴۲۵ق آورده است).

حر عاملی (وسائل، ۴۳/۲۰) و مجلسی (۲۹، ۱۰/۱) این کتاب را ستوده، و از منابع تألیفات خویش بر شمرده‌اند. اندی نسخه‌ای صحیح و کهن از آن را به همراه پاره‌ای تعلیقات کلمی و حواشی فیروز ابراهیم همدانی دیده است (نک: ۱۷۲/۴-۱۷۳). که متضمن اجازه نامه شیخ علی کرکی به برخی شاگردانش بوده، و کرکی آن را از روی نسخه علامه (مورخ ۷۰۶ق) نوشته و علامه نیز نسخه خود را از نسخه اصل مصنف تصویح کرده بوده است.

ابن شاکر از اویه عنوان منشی، کاتب زیردست، شاعر و مترجم باد کرده (همانجا)، و ابن عمام (۲۸۳/۵) نظم و نثر اور استوده است. اربیلی در کشف الغمة که حاکمی از وسعت مهارت او در فتوح ادب است، به مناسبتهای مختلف ایاتی در غزل، وصف، مدح و رثا، با قلمی سیال و اسلوبی گیرا آورده است (بحرالعلوم، ۱۹۳/۲). بخش دیگر شعر او وصف خمر و اندکی مجون است. سرودهای وی اگرچه متکلف است، ولی رونق، لطافت، شیرینی، اصالت و استواری دارد (فروخ، ۶۶۲/۳: جبوری، ۳۴).

اربیلی به نوشتة خود، با عظاملک جوینی (نک: رسالت، ۸۵-۸۶)، ابن صلایا (الذکرة، ۱۱۰) و دیگران مشاعره و مناشده و نشستهای ادبی داشته است (نک: همان، ۵۴، ۸۵، ۸۱-۸۰، جم، رسالت، ۷۵)، او گاه بالبداهه شعر می‌سرود. از این دست، شعری است در تفضیل نرگس بر گل سرخ در مقابله با تفضیل گل سرخ بر نرگس (نک: الذکرة، ۲۲۷، نیز نک: ۱۰۴). از ایات او در باره کسان، مدحهای است برای شمس الدین محمد جوینی (رسالت، ۱۳۵) و دیگر قصیده‌ای در رثای نصیر الدین طوسی (ابن فوطی، الحوادث، ۳۸۱-۳۸۰). اربیلی از راویان شعر امام علی (ع) است (امینی، ۲۶/۲) و خود غدیرهای (راینه) دارد (همو، ۴۴۵-۴۴۴: اربیلی، کشف، ۱/۲۷۱-۲۷۰). که در شمار ایات نیک و طیف است.

آثار چاپی:

۱. الذکرة الفخرية، این کتاب به درخواست فخرالدین ابو منصور منوچهر پسر ابوالکرم همدانی نایب علاء الدین عظاملک جوینی فراهم آمده، و مشتمل است بر گزیده‌هایی از شعر و ادب که مؤلف در آن به شرح لغات و ایضاح معانی پرداخته، و به او منسوب ساخته است (نک: ص ۴۲-۴۲). اربیلی در این کتاب بیشتر به اشعار نویر دازان معاصر خود نظر دارد، چه به زعم وی، اشعار متاخران معانی نزدیک به فهم و الفاظی سالم و مناسب دارد و روش آنان در تلطیف الفاظ و معانی و زیبایی سبک و نیل به غرض و دوری از لغات مجهور، از قدما نیکتر و به طبع اهل عصر سازگارتر است (نک: ص ۴۳). اربیلی به درخواست فخرالدین پاره‌ای دویستی، موالیا و موشح نیز بر آن افزود (ص ۴۲-۴۲)، اما کاتب و تعلیق‌نویس کتاب تا زمان فراغ از کتابت نسخه (۱۴ رمضان ۶۹۳) نتوانسته بود بر این بخش ضمیمه دست یابد (همان، ۲۹۶). گفته می‌شود که اربیلی این کتاب را در ۶۷۱ به انجام رسانده است (ابن فوطی، تلخیص، ۴/۲۳). اگر چه دانسته نیست که مؤلف چه مدت دست اندرکار این اثر بوده، ولی خود گزارشی از دیدار با نجم الدین یحیی شاعر موصلى در ۶۶۲ق در موصل به هنگام گردآوری این مجموعه به دست داده است (ص ۱۱۳-۱۲۳). مؤلف در این کتاب، غنا و اصوات مغناطی را بررسی کرده، و اشاراتی دارد که حاکم از آشنایی دقیق اوست. جز این در هر باب مقدمه‌ای بر اسلوبی آمیخته به سجع و ترسل آورده، و توان هنری خویش را آزموده است. او الفاظ و عبارات و گاه آراء قدما را نقد و ارزیابی کرده است و از شباب، خضاب، مشیب، غزل،

۲. بر هفتمن الدهر (بغدادی، ۱۸۰/۱). ۳. الثاقب فی المناقب (نک: افندی، ۱۷۲/۴؛ خوانساری، ۳۴۳/۴، که این کتاب را از عمام الدین فقیه طوسی دانسته است). ۴. حدائق البیان فی شرح التبیان، در معانی و بیان عباس عزاوی به اشتباه این کتاب را به او نسبت داده است (قیسی، ۲۱).

ماخنچه آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعیة، قرن ۷، به کوشش علیقی مژوی، بیروت، ۱۹۷۲م؛ همو، النزیعه؛ ابن شاکر کنی، محمد، فواید الوفیات، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۲م؛ ابن فوطی، عبدالرازق، تلخیص مجمع الآداب، ج ۴، به کوشش مصطفی جواد، دمشق، ۱۹۶۷-۱۹۶۲م؛ همو، همان، کتاب الکاف، به کوشش محمد عبدالقدوس قاسمی، لاهور، ۱۹۳۵م؛ همو، الحوادث الجامعه و التجارب الشافعیه، به کوشش مصطفی جواد، بغداد، ۱۹۳۹م؛ ابن عمام، عبدالحی، شذرات الذہب، قاهره، ۱۳۵۱ق؛ اربیل، علی، التذکر الفخریه، به کوشش نوری حمودی قیسی و حاتم صالح ضامن، بیروت، ۱۹۷۰ق/۱۴۰۷ق؛ همو، رسالت الطیف، به کوشش عبدالله جبوری، بغداد، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م؛ همو، کشف الغمة، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، قم، ۱۳۸۱ق؛ افندی، عبدالله، روض العلامه، قم، ۱۳۰۱ق؛ امنی، عبدالحسین، الفدیر، بیروت، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م؛ بحرالعلوم، محمد صادق، تعلیقات بر تکمله الرجال عبدالی کاظمی، تجفی، مطبعة الآداب؛ بغدادی، ایضاً؛ جبوری، عبدالله، مقدمه بر رسالت الطیف (نک: هم، اربیل)؛ حاجی خلیفه، کشف حرم عاملی، محمد، اهل الائمه، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش؛ همو، وسائل الشیعیه، به کوشش محمد رازی، بیروت، ۱۳۸۹ق؛ خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، قم، ۱۳۹۱ق؛ رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کربیانی، تهران، ۱۳۲۸ش؛ زنوزی، محمد حسن، روض الجنة، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، شه ۳۵۷۸؛ شعرانی، ابوالحسن، مقدمه بر کشف الغمة اربیل، به کوشش ابراهیم میانجی، تبریز، ۱۳۸۱ق؛ شوشتری، نورالله، احراق الحق، قم، مکتبة آیت الله مرعشی تجنی؛ فروخ، عمر، تاریخ الادب العربي، بیروت، ۱۹۸۴م؛ قیسی، نوری حمودی، مقدمه بر التذکر الفخریه (نک: هم، اربیل)؛ کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، ۱۹۵۷م؛ مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ محدث ارمومی، جلال الدین، تعلیقات نقض، تهران، ۱۳۵۸ش؛ مژوی، خطی؛ وصف، تاریخ، پیشی، ۱۳۶۹ق/۱۴۶۹ق؛ De Slane; GAL, S; Storey, C. A., Persian Literature, London, 1970.

آریونه، نامی که مؤلفان عرب به شهر نارین^۱ در جنوب فرانسه اطلاق کرده‌اند و نیز نام پنج عیین ایالت اندلس که شهر مذکور مرکز آن بوده است. این شهر که قدیمت آن به دوره پیش از میلاد می‌رسد، محل تأسیس نخستین مستعمره رومیها در ۱۱۷-۱۱۸ق م در سرزمین گل بهنام ناریومارتیوس^۲ بوده، و نام کنونی آن نیز از همان مایه گرفته است. بعد از تقسیمات اداری روم، ناریو مرکز یکی از ۴ ایالت کل به نام گالیا ناریونتیسیس^۳ بود. این شهر که در آن زمان از طریق رود اود^۴ به دریای مدیترانه راه داشت، رفتارهایی از بزرگ‌ترین شهرهای گل و یکی از پر رونق‌ترین بنادر آن به شمار آمد. آوسونیوس در سده ۴م در شعری، از شکود و عظمت ناریو سخن گفته، و از تنوع جغرافیایی و اهمیت تاریخی شهر و ایالت آن یاد کرده است (۲۸۱/۲۸۰). سیدونیوس نیز در اواسط سده ۵م در شعری، به باروها، طاقها، پرستشگاهها، میدان، شاتر و دیگر

1. Narbonne

2. Narbo Martius

3. Gallia Narbonensis

از کشف الغمه ترجمه‌هایی به فارسی صورت گرفته که از آن جمله است: ترجمة فخر الدین علی بن حسن زواری در ۹۳۸ق با عنوان ترجمة المناقب برای امیر قوام الدین محمد (استوری، ۱۵/I(1)) که با مقدمه ابوالحسن شعرانی و تصحیح ابراهیم میانجی همراه متن اصلی در تبریز (۱۳۸۱ق) در ۳ جلد جاپ شده است (براً اطلاع از دیگر ترجمه‌های کتاب و نسخه‌های آن، نک: افندی، ۱۷۷/۱؛ آقابزرگ، النزیعه، ۱۳۹/۴؛ منزوی، ۱۹۷۲م؛ همو، النزیعه؛ ابن شاکر کنی، محمد، فواید الوفیات، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۲م؛ ابن فوطی، عبدالرازق، تلخیص مجمع الآداب، ج ۴، به کوشش مصطفی جواد، دمشق، ۱۹۶۷-۱۹۶۲م؛ همو، همان، کتاب الکاف، به کوشش محمد عبدالقدوس قاسمی، لاهور، ۱۹۳۵م؛ همو، الحوادث الجامعه و التجارب الشافعیه، به کوشش مصطفی جواد، بغداد، ۱۹۳۹م؛ ابن عمام، عبدالحی، شذرات الذہب، قاهره، ۱۳۵۱ق؛ اربیل، علی، التذکر الفخریه، به کوشش نوری حمودی قیسی و حاتم صالح ضامن، بیروت، ۱۹۷۰ق/۱۴۰۷ق؛ همو، رسالت الطیف، به کوشش عبدالله جبوری، بغداد، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م؛ همو، کشف الغمة، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، قم، ۱۳۸۱ق؛ امنی، عبدالحسین، الفدیر، بیروت، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م؛ بحرالعلوم، محمد صادق، تعلیقات بر تکمله الرجال عبدالی کاظمی، تجفی، مطبوعة الآداب؛ بغدادی، ایضاً؛ جبوری، عبدالله، مقدمه بر رسالت الطیف (نک: هم، اربیل)؛ حاجی خلیفه، کشف حرم عاملی، محمد، اهل الائمه، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش؛ همو، وسائل الشیعیه، به کوشش محمد رازی، بیروت، ۱۳۸۹ق؛ خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، قم، ۱۳۹۱ق؛ رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کربیانی، تهران، ۱۳۲۸ش؛ زنوزی، محمد حسن، روض الجنة، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، شه ۳۵۷۸؛ شعرانی، ابوالحسن، مقدمه بر کشف الغمة اربیل، به کوشش ابراهیم میانجی، تبریز، ۱۳۸۱ق؛ شوشتری، نورالله، احراق الحق، قم، مکتبة آیت الله مرعشی تجنی؛ فروخ، عمر، تاریخ الادب العربي، بیروت، ۱۹۸۴م؛ قیسی، نوری حمودی، مقدمه بر التذکر الفخریه (نک: هم، اربیل)؛ کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، ۱۹۵۷م؛ مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ محدث ارمومی، جلال الدین، تعلیقات نقض، تهران، ۱۳۵۸ش؛ مژوی، خطی؛ وصف، تاریخ، پیشی، ۱۳۶۹ق/۱۴۶۹ق؛ آثار یافت نشده: ۱. دیوان شعر (حر عاملی، اهل، ۱۹۵/۲)، بجز آثار چاپ شده اربیل که حاوی ایيات نفر و لطیف اوست، گزیده‌هایی از شعر او را ابن فوطی (الحوادث، ۳۸۱-۳۸۰)، این شاکر (۵۸۲/۳-۵۸۱)، این عمام (۳۸۳/۵) و حر عاملی (همانجا) آوردۀ‌اند. اربیل قصاید فراوانی در مدح ائمه (ع) دارد که بخشی از آنها در کشف الغمه آورده است. پاره‌ای از این ایيات را محمد بن طاهر سماوی نجفی (د ۱۳۷۰ق) در کتابی مستقل با عنوان دیوان الاربیل گرد آورده که نسخه‌ای از آن (۲۰) صفحه به خط او در کتابخانه سید محسن حکیم در نجف موجود است (جبوری، ۲۴). ۲. رساله‌هایی چند (حر عاملی، همانجا)، ۳. القامات الاربع، که شامل مقامه‌های بغدادیه، دمشقیه، حلیله و مصریه است (ابن شاکر، ۵۷/۳، حاشیه؛ این عمام، همانجا؛ بغدادی، ۵۷۵/۲). ۴. نزهه الاخبار فی ابتداء الدنيا و قدر القوى الجبار (فروخ، ۶۶۲/۳، قس؛ کحاله، ۱۶۳/۷، قس؛ نزهه الاخبار فی...؛ نک: حاجی خلیفه، ۱۹۳۸/۲-۱۹۳۹)، که نام مؤلف را علاء الدین علی بن عیسی اردبیلی ذکر کرده است. آثار منسوب: ۱. الاربعین، در حدیث (نک: محدث، ۱۱۵۸/۲).

4. Aude